

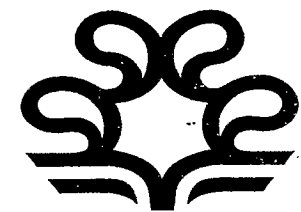
۱۱۱/۱۱۱۹۹
م.ع.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۱/۱۱۱۹۹

۸۷/۱۱۰۷۹۶۰

۸۸۱۴۰



دانشگاه شاهرود

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چالش های نظری و کاربردی عدالت ترمیمی

توسط

مهدی خاقانی اصفهانی

استاد راهنما:

دکتر محمدهادی صادقی

شهریور ماه ۸۷

۱۱۱۴۵۲

به نام خدا

چالش های نظری و کاربردی عدالت ترمیمی

توسط:

مهدي خاقتانی اصفهانی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

حقوق جزا و جرم شناسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر محمدهادی صادقی، دانشیار بخش حقوق جزا و جرم شناسی (رئیس کمیته)

دکتر فضل الله فروغی، استادیار بخش حقوق جزا و جرم شناسی

دکتر عباس منصورآبادی، استادیار بخش حقوق جزا و جرم شناسی

شهریورماه ۱۳۸۷

السّلام عليك حين تقرأ و تُبَيّن

تقديم به او كه خواهد آمد

و عالم را از كوثر وجودش

سيراب خواهد ساخت

إنّهم يرونه بعيدا و نراه قريبا ...

سپاسگزاری

اکنون که به یاری ایزد متان نگارش پایان نامه به پایان رسیده است، به رسم ادب بر خود لازم می دانم از تمامی سرورانی که حقیر را در نگارش این سطور یاری رسانده اند کمال تشکر بنمایم. نخست از جناب آقای دکتر صادقی که بیکران وجودشان متألماً از مکارم اخلاق است و فخامت و استواری صوتشان، روشنگر ابواب خزائن علم بر من. از ایشان به خاطر قبول زحمت راهنمایی تشکر می کنم. هم چنین از اساتید محترم مشاور، جناب آقای دکتر فروغی و جناب آقای دکتر منصورآبادی که در دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد افتخار شاگردی آن بزرگواران را داشته ام، کمال امتنان دارم.

زبان الکن قاصر است از سپاس پدرم

بوسه بوسه ی خاکستر وجودم بر دست بزرگوارشان

بر وارستگی

بر شرافت

و بر لطف بی دریغشان

سپاس می گویم مادرم را که هرچه دارم

از عارفانه های اوست به هنگامه ی دعا

از عروج سجودشان در سجاده

و خلوص حضور در بلندای قنوت

چکیده

چالش های نظری و کاربردی عدالت ترمیمی

به وسیله‌ی:

مهدی خاقانی اصفهانی

تئوری ها و رویکردهای نوین جرم شناختی، از این جهت که متعاقب انتشار نتایج ارزیابی تئوری رایج در هر عصر مطرح می شوند، عموماً افراطی اند و بر بعدی مخالف آنچه نظریه حاکم - که بخش کیفری از سیاست جنایی کشورها بر اساس آن تنظیم شده است - بر آن تأکید دارد، اصرار دارند. آنها تنها بر بخشی از آنچه که گفتمان یک نگرش جامع به پدیده بزهکاری را تشکیل می دهد، تمرکز دارند.

با وجود اهمیتی که عدالت ترمیمی در تعدیل نظام عدالت کیفری به مثابه یک رهیافت غیر کیفری سیاست جنایی داشته است، با چالش هایی مواجه است. این رویکرد نوین، داعیه جانشینی عدالت کیفری کلاسیک و یا دست کم، تعدیل آن را دارد. این در حالی است که ابتدا به ضعف هایی در اندیشه های محوری و در نتیجه، نقض غرض و حدوث توالی فاسد، این پارادایم نوپا را می رنجاند. فقدان تعریف، حدود و ثغور شمول برنامه های ترمیمی، نبود معیار روشن برای ترمیم آسیب های بزه دیدگی، نقض تضمین های شکلی دادرسی، چندگانگی تشتت آمیز مدل های ترمیمی و فقدان رویه واحد برای اجرای یکسان آنها و حتی نبود تعریف ثابت برای هر کدام از برنامه هایی همچون نشست های گروهی خانوادگی، حلقه های تعیین مجازات، میانجی گری جامعه مدار و میانجی گری پلیسی - قضایی، اشکال هایی را در عرصه عملیاتی کردن این نظریه و رهنمون شدن آن از خواستگاهش، جرم شناسی به میدان اجرا - حقوق جزا و سیاست جنایی - موجب شده است.

پایان نامه در سه بخش مفاهیم اساسی و دیرینه، چالش های نظری و چالش های کاربردی تدوین شده است. پس از آشنایی با تعریف، اصول و اهداف عدالت ترمیمی و مرور دیرینه آن از منظر تاریخ کیفرشناسی غرب و اسلام، چالش های نظری در سه فصل ساختار، میانکنش کنشگران خصوصی و راهبردهای اجرایی بررسی شده است. نقض اصول و تضمین های دادرسی کیفری، ناهمگرایی با الگوهای غیر ترمیمی سیاست جنایی و نیز موجه سازی آمارها و پژوهش های مخدوش در بخش سوم تشریح گشته است. در پایان، کاوش در چالش های نگرش ترمیمی در کنون و آتیه سیاست جنایی ایران، نقد لوایح قضایی پیرو رویکرد ترمیمی را به نقد دکترین ایرانی طرفدار عدالت ترمیمی پیوند زده است تا از این رهگذر، بتوان به نتیجه گیری و ارائه راهبردهایی برای برون رفت از چالش ها دست یازید.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، چالش های نظری، چالش های کاربردی، سیاست جنایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۱.....	الف- طرح موضوع.....
۴.....	ب - پیشینه علمی.....
۴.....	۱- پژوهش های داخلی.....
۵.....	۲- پژوهش های خارجی.....
۷.....	بخش اول - مفاهیم اساسی و دیرینه عدالت ترمیمی.....
۸.....	فصل اول - مفاهیم اساسی.....
۸.....	مبحث اول - تعریف.....
۹.....	مبحث دوم - اصول.....
۱۲.....	مبحث سوم - اهداف.....
۱۴.....	فصل دوم - دیرینه.....
۱۴.....	مبحث اول - تحریف تاریخ کیفرشناختی حاکمیت پاسخ های ترمیمی در حقوق غرب.....
۱۸.....	مبحث دوم - حقوق کیفری اسلامی.....
۲۲.....	مبحث سوم - حقوق کیفری چند کشور عربی.....
۲۴.....	بخش دوم - چالش های نظری عدالت ترمیمی.....
۲۵.....	فصل اول - ساختار.....
۲۵.....	مبحث اول - عدالت یا عدالت های ترمیمی؛ چالش تعاریف.....
۲۷.....	مبحث دوم - آنارشی تفسیری در اصول و مفاهیم.....
۲۷.....	گفتار اول - نظم عمومی.....
۲۸.....	گفتار دوم - امنیت.....
۳۰.....	گفتار سوم - جامعه محلی.....

- مبحث سوم - برآورده نشدن غالب اهداف واکنش جزایی ۳۱
- گفتار اول - کاستن از زشتی کنش جنایی ۳۲
- گفتار دوم - فقدان کارکرد بازدارنده ۳۲
- گفتار سوم - نقض کرامت انسانی در پی شرمسازسازی مخرب ۳۲

- مبحث چهارم - احاله حقوق کیفری از حقوق عمومی به حقوق خصوصی ۳۵
- مبحث پنجم - قدرت بازرسی و کنترل نشده جامعه محلی و اجتماع ۳۸
- مبحث ششم - تقابل ادله استحقاقی گرایان و ترمیمی گرایان ۴۰

فصل دوم - میانکنش کنشگران خصوصی ۴۳

- مبحث اول - نزاع نظام رسمی با کنشگران خصوصی در تصدی واکنش جزایی ۴۳
- گفتار اول - حقوق و تکالیف دولت ۴۵
- گفتار دوم - حقوق و تکالیف بزه دیده ۴۷
- مبحث دوم - نقض توازن قوا با اتکا بر تصمیم های کنشگران خصوصی ۴۹
- مبحث سوم - ماهیت رابطه قراردادی اصحاب دعوا با مسئولان عدالت کیفری رسمی ۵۰

فصل سوم - راهبردهای اجرایی ۵۵

- مبحث اول - چالش های فراروی کیفرهای نامعین ۵۵
- مبحث دوم - فقدان چهارچوب برای برگزاری برنامه ها ۵۶
- مبحث سوم - ناهمگونی تناقض آمیز برنامه ها ۵۸
- مبحث چهارم - اختیاری نبودن مشارکت در برنامه ها ۵۸
- مبحث پنجم - مخاطرات پاسخ های اداری ترمیمی به بزهکار ۵۹
- مبحث ششم - پیامدهای ناترمیمی نظارت مجازی بر بزهکاران ۶۰
- گفتار اول - مغایرت با اصل هزینه - فایده ۶۰
- گفتار دوم - افزایش کنترل اجتماعی نامحسوس ۶۲
- گفتار سوم - نقض اصل برابری ۶۳
- گفتار چهارم - عدم واکنش دهی جزایی افتراقی ۶۳
- گفتار پنجم - ارزیابی مجازات ترمیمی نظارت مجازی ۶۳
- مبحث هفتم - امکان سنجی پیوند عدالت ترمیمی به حقوق های داخلی ۶۴
- مبحث هشتم - اکولوژی جغرافیای شهری نامساعد برای اجرای برنامه ها ۶۸
- مبحث نهم - نالزام آوری اجرای عدالت ترمیمی در پرتو نسل سوم حقوق بشر ۶۹
- مبحث دهم - موانع جهانی شدن عدالت ترمیمی ۷۶

گفتار اول - شناسایی قواعد	۷۷
بند اول - معاهدات و سازمان های بین المللی	۷۸
گفتار دوم - تکثیر و توزیع قواعد	۸۱
بند اول - قواعد مندرج در معاهدات بین المللی	۸۱
بند دوم - قواعد مندرج در سایر اسناد بین المللی	۸۶
بخش سوم - چالش های کاربردی عدالت ترمیمی	
فصل اول - نقض اصول و تضمین های شکلی دادرسی	
مبحث اول - نقض قاعده منع تعقیب مضاعف	۹۱
مبحث دوم - کم رنگی سازوکارهای نظارت بر ضابطان	۹۳
مبحث سوم - اغفال متهم در پذیرش مجرمیت	۹۳
مبحث چهارم - فشار بر بزه دیده برای بخشش بزهکار	۹۴
مبحث پنجم - بزه دیدگی دومین	۹۴
مبحث ششم - شتاب زدگی در برگزاری فرایندها	۱۰۲
مبحث هفتم - چیرگی گروه های خاص بر برنامه ها	۱۰۲
مبحث هشتم - اطلاع دادرسی ناشی از طرح دعاوی جانی	۱۰۳
مبحث نهم - ناکارآمدی های اجرای احکام ترمیمی	۱۰۴
فصل دوم - ناهمگرایی با الگوهای غیر ترمیمی سیاست جنایی	
مبحث اول - استراتژی های پلیسی غیر اجتماع محور	۱۰۵
مبحث دوم - گسترش مکانیسم های کنترل جرم	۱۱۹
مبحث سوم - سوء استفاده ابزاری شبکه های امنیت پزشکی و اجتماعی	۱۲۱
مبحث چهارم - ناهمگونی با سیاست های پوشش رسانه ای ضد ترمیمی	۱۲۳
فصل سوم - موجه سازی آمارها و پژوهش های مخدوش	
مبحث اول - اعتمادناپذیری پژوهش های میدانی مؤید برنامه ها	۱۲۶
مبحث دوم - آمارسازی مخدوش از کاهش جمعیت کیفری در پی اجرای برنامه ها	۱۳۰
فصل چهارم - چالش های نگرش ترمیمی در کنون و آتیه سیاست جنایی ایران	
مبحث اول - ناترمیمی گرایی های کنونی سیاست جنایی ایران	۱۳۲
مبحث دوم - ناترمیمی گرایی های آتیه سیاست جنایی ایران	۱۳۴
گفتار اول - لایحه پیشگیری از وقوع جرم	۱۳۴

- گفتار دوم - لایحه مجازات های اجتماعی ۱۳۶
- گفتار سوم - لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان ۱۳۷
- مبحث سوم - نقد بر موافقان ایرانی عدالت ترمیمی ۱۳۸

نتیجه گیری و راهبردهای برون رفت از چالش ها ۱۴۱

فهرست منابع ۱۴۷

الف- منابع فارسی ۱۴۷

ب- منابع عربی ۱۵۱

ج- منابع انگلیسی ۱۵۲

مقدمه

الف - طرح موضوع

عدالت ترمیمی، افقی نوین و البته ریشه دار در اجرای عدالت کیفری است؛ حرکتی آرام اما به طور فزاینده ای پویا و سریعاً متحول که از مفاهیم بنیادین حقوق جزا قرائتی متفاوت از دو نگرش کلاسیک سزاده و مبتنی بر اصلاح و درمان ارائه می دهد. عدالت ترمیمی، جهتی است که گرانیگاه و مرکز ثقل عدالت کیفری را از جرم در نگرش کلاسیک سزاگرا و مجرم در رویکرد کلینیکی اصلاح و درمان به سمت بزه دیده تغییر داده است. الگوی عدالت ترمیمی در مقام پاسخ دهی ترمیمی به بزه بر اساس مشارکتی است که به موجب آن سهام داران جرم، از رهگذر گردهمایی در خصوص پیامدهای رفتار مجرمانه و استلزامات آن در آینده به مذاکره و گفتگو با یکدیگر پرداخته و در پی نیل به یک تفاهم ترمیمی کارآ هستند. عدالت ترمیمی، با بسیج امکانات و ظرفیت های دولت و ملت برای حمایت همه جانبه از بزه دیدگان در افق یک رویکرد تیمی میان رشته ای^۱ در سیاست جنایی کلان و تعریف کردن تغییرهایی اساسی در ساختار نظام واکنش جزایی به عنوان وسایل نیل به هدف، می کوشد تا نویدبخش تحقق آرزوی یک نظام عدالت کیفری افقی، اجتماعی، مشارکتی و سازشی باشد.

برنامه ها، الگوها، یا فرآیندهای اجرای عدالت ترمیمی را می توان هر فرآیندی دانست که در آن بزه دیده و بزهکار و در صورت لزوم عضوی دیگر از جامعه، تحت تأثیر بزه، با یکدیگر فعالانه همکاری داشته باشند تا راه حلی مناسب را، عموماً به کمک میانجی،^۲ مشاور^۳ و یا تسهیل کننده^۴ - بسته به نوع فرآیند و الگوی اجرایی آن - برای مسائل ناشی از بزه بیابند. فرآیندهایی نظیر میانجی گری بزه دیده - بزهکار،^۵ ملاقات های رودررو،^۶ نشست های گروهی خانوادگی،^۷ نشست های تعیین مجازات (حلقه های آشتی و التیام)،^۸ هیأت های مردمی ترمیمی (گروه های جبرانی شهروندی)^۹ و ارجاع و انصراف،^{۱۰} مهم ترین و شناخته شده ترین

^۱ Multidisciplinary approach

^۲ Mediator

^۳ Counselor

^۴ Facilitator

^۵ Victim - Offender Mediation

^۶ Counter Visits

^۷ FGC (Family Group Conferencing)

^۸ Sentencing - Peacemaking - Healing Circles

^۹ Community Reparative Boards - Restorative Citizen's Panels

^{۱۰} Diversion

روش ها و برنامه های ترمیمی هستند که در سراسر جهان به صورت تعریف شده و با الگوی قواعد حد اقل استاندارد شناخته و تثبیت شده اند. (خاقانی اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶)

عدالت ترمیمی، ریشه در آیین های حل و فصل اختلاف ملل قدیم جهان دارد و این حقیقت به صراحت مورد تأیید حقوق دانان پیش کسوت که طراح پارادایم عدالت ترمیمی هستند، نیز می باشد. حتی برخی از آنان بدین حقیقت اذعان دارند که قرائت ترمیمی، تنها گونه ی سیستماتیک، مدل بندی شده و مدرن شده همان الگوهای رسیدگی غیر رسمی کهن است: الگوهای اجرای عدالت کیفری بومیان استرالیا، مردم متمدن خاور میانه، پیروان آیین شینتو، کنفوسیوس، بودا و عرفان شرقی در هند، چین و دیگر اقالیم خاور دور، مردمان دیندار و موحد و حتی آدمیان مشرک اما متخلق به اخلاق انسانی. (Van Ness, 1993, p. 253)

پارادایم عدالت ترمیمی، به عنوان یک ساختار فلسفی ناظر بر واکنش جزایی به بزه و انحراف، و نه با تعریفی مضیق به مثابه یک شیوه دادرسی آشتی گرا یا نوعی نشست میانجی گرانه، ادعا می کند که یک تئوری جرم شناختی است. شکی نیست که اگرچه آوردگاه آن، دانش جرم شناسی است، ولی به حقوق کیفری بسیاری از کشورها راه یافته است و آن چنان سریع در حال فراگیری است که رفته رفته مرزهای حقوق کیفری کشورها را درمی نوردد و به پهنه قلمرو سیاست جنایی وارد می شود و آن را نیز با خود به سمت جهانی شدن پیش می برد؛ رویکردی توجه سیاست گذاران جنایی کشورها را به خود جلب کرده است.

پس از آشنایی با عدالت ترمیمی در بادی نظر، ارزش های بنیادین و عناصر اساسی آن - به گونه ای که شرح آن رفت - باید به اجرای این تفکر در نظام واکنش جزایی و در حقیقت، عدالت ترمیمی کاربردی پرداخت. فرآیندهای ترمیمی، طراحی و الگوهای متفاوتی دارند؛ اما نقطه مشترک همه آنها با یکدیگر از نظر ماهوی، اتصاف همه آنها به وصف ترمیمی بودن است. این ناهمسانی شکلی، گویای کم اهمیتی شکل فرآیند، اما ضرورت رعایت عناصری اساسی است. غرض، آن که یک الگوی نهادینه شده ی خاص برای عدالت ترمیمی وجود ندارد. بر این اساس، نمی توان طرح کلی برای فرآیندهای ترمیمی - برای بررسی مدل هایی که خودشان را ترمیمی می نامند - ارائه کرد. هر کدام از این برنامه ها اساساً طراحی متفاوت، ولی ماهیتی مشابه و دقیقاً ترمیمی دارند. این برنامه ها استفاده می شوند تا یک نتیجه ترمیمی را برای نظام عدالت کیفری به ارمغان بیاورند. نتیجه، در این مقوله، مهم تر از فرآیند است. در صورتی که نتیجه ترمیمی حاصل نگردد، فرآیند شکست خورده است. این یکی از وجوه تمایز فرآیندهای عدالت ترمیمی با فرآیندهای عدالت کیفری است. فرآیندهای کیفری، خود، ذاتاً اصالت دارند و به عنوان هدف تلقی می شوند. دستگیری، محاکمه و کیفر بزهکار، عموماً - و در مواردی، با اندکی مسامحه - صرف نظر از فرجام حاصله، یک هدف محسوب می شوند. این در حالی است که در یک فرآیند ترمیمی، هدف یعنی رسیدن به نتیجه ترمیمی، اصل تلقی می گردد. حامیان عدالت ترمیمی، تأکید و تبلیغ زیادی می کنند که رویکرد مورد حمایتشان محاسن زیادی دارد.

حتی آن قدر که از وجود دیدگاه های مخالف و غیر ترمیمی تعجب می کنند! به عنوان مثال، رابینسون می گوید: «صادقانه باید گفت به سختی می توان درک کرد که چرا کسی با چنین فعالیت هایی [اجرای برنامه های ترمیمی] مخالفت می کند؟» (Robinson, 2006, p. 426)

بر این اساس، و با درک این حقیقت که تئوری های جرم شناختی، از اعتدال برخوردار نیستند و تنها بر بخشی از آنچه که گفتمان یک نگرش جامع به پدیده بزهکاری را تشکیل می دهد، تمرکز دارند، هدف پایان نامه، بررسی چالش های نظری عدالت ترمیمی - دقیقاً به معنای تحلیل ایرادهای وارد بر اسلوب تفکر ترمیمی، فارغ از موانع و ناکارآمدی های آن در وهله اجرا - از یک سو، و تدقیق و تشریح چالش های اجرایی و کارکردی فرآیندها و برنامه های این قرائت از عدالت از سوی دیگر است.

اتخاذ رویکرد ترمیمی در کشورهای مختلف، اسباب و لوازم ویژه ای می طلبد. ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی ایدئولوژیک کشورها، فاکتورهای مؤثر و متغیر مستقل های تعیین کننده ای در به کارگیری خط مشی ترمیمی در سیاست جنایی هر کشور است؛ همان گونه که خود سیاست جنایی نیز برآیندی از ترکیب و استقرار عوامل مذکور و بسیاری از دیگر تأثیر گذارنده هاست. در مجموع، با نیم نگاهی به وضعیت رویکردهای عملکردی کشورهای مختلف می توان آنهایی را که در مواجهه با بزهکاری، یک استراتژی و گارد ترمیمی اتخاذ نموده اند، فهرست کرد.

موفقیت سیاست های ترمیمی در واکنش جنایی به بزه و حالت خطرناک مرهون شرایطی است که تنها در برخی کشورها وجود دارد. به عبارت دیگر، خیل عظیمی از کشورها در پی شکوفایی و تحول و پویایی فزاینده ترمیمی شدن حقوق جزا در کشورهایی که از آنها به کشورهای پیشرو تعبیر می شود، سعی در انجام تغییراتی در رویکرد جنایی داخلی خود نموده اند تا با افتخار، در مسیر این جریان جهانی قرار گیرند و یا لا اقل این طور وانمود کنند؛ فارغ از این که زیرساخت های ضروری برای ترمیمی شدن را فاقد اند.

پایان نامه ای که با استعانت از حضرت قادر متعال قلم خورده است، ایرادهای وارد بر اساس ساختار عدالت ترمیمی را که به حق، جدید ترین سازه در معماری مدل های عدالت کیفری است، پیش رو نهاده و به ارزیابی آنها همت گمارده است. از سوی دیگر، چالش های اجرای این پارادایم نوین و اتباع بخش سیاست کیفری نظام سیاست جنایی بر بنیان تفکر ترمیمی در وهله عملکرد را به نقد نشسته و با تدقیق لازم، تشریح نموده است که چگونه فقدان هر یک از علل ناقصه و شروط ضروری به کار گیری برنامه های ترمیمی، نظام کیفری کشورهای مجری این برنامه ها را با اختلال و شکست روبرو می سازد.

بدین ترتیب همه بحث ها و مناقشه ها در پی پاسخ به این پرسش است که ایرادها و فراتر از آن، مجموعه چالش هایی که عدالت ترمیمی برای کسب مشروعیت لازم برای محسوب شدن به یک الگوی صحیح عدالت کیفری با آنها روبروست، کدامند و این که سیاست نهضت جهانی

عدالت ترمیمی چه بهره ای می تواند از نظام سیاست جنایی اسلام در برطرف سازی این چالش ها داشته باشد. گرچه پایان نامه ی حاضر، پژوهشی بنیادی است و فارغ از کنکاش در حقوق داخلی کشورها؛ اما به این تکلیف معهود بسنده نشده و با نقد سه لایحه قضایی حقوق داخلی ایران - که ملهم از نظام متنوع ضمانت اجراهای ترمیمی و دستاوردهای نوین دانش جرم شناسی است - به پایان برده شده است تا از این رهگذر، برخی چالش های فراروی آتیه سیاست جنایی تقنینی ایران عزیزمان نیز مقابل دیدگان جامعه حقوقی کشور قرار گیرد.

ب - پیشینه علمی

الف) پژوهش های داخلی

چندین کتاب، مقاله، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در نوشتگان حقوقی به زبان فارسی منتشر شده است که به تشریح اصل تئوری عدالت ترمیمی و عناصر و فرآیندهای آن پرداخته اند. وصف ترجمه ای این منابع، وجه غالب است و از بداعت تحلیلی چشمگیری برخوردار نیست. در این میان، اما رعایت انصاف ایجاب می کند آثار برجسته از باب تمثیل و نه حصر، ذکر و از مؤلفان و مترجمان آنها به خاطر تلاش در پژوهشی و پرمایه نمودن اثرشان نام برده شود: «عدالت ترمیمی» نوشته دکتر حسین غلامی؛ «عدالت ترمیمی، مبانی و کنشگران» پایان نامه دکترای عباس شیری در دانشگاه شهید بهشتی؛ «ترمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ولز» از دکتر نسرين مهرا؛ «عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی یا تغییر آن» نوشته امیر سماواتی پیروز، که پایان نامه کارشناسی ارشد وی در دانشگاه شهید بهشتی است که آن را در قالب کتاب منتشر نموده است.

این آثار و دیگر پژوهش ها که مجال ذکر همه آنها نیست، همگی با رویکردی اثباتی در مقام دفاع از عدالت ترمیمی هستند و پس از ذکر ناکارآمدی های دو رویکرد کلاسیک و اصلاحی، تنها به تحسین و تشریح جانبدارانه از پارادایم ترمیمی پرداخته، آن را در نظر مخاطب، عدالتی واقعی و بی نقص جلوه داده اند. گویا هیچ یک از نویسندگان، قائل به وجود یا دست کم، احتمال وجود ایرادها و چالش هایی فراروی استراتژی ترمیمی نبوده اند. تنها، اثر چهارم پیش گفته - پایان نامه آقای امیر سماواتی پیروز - بخش نهایی اثر خود را به موضوع «انتقادهای وارد بر عدالت ترمیمی» اختصاص داده است. ولی باز هم طرفداری از تفکر ترمیمی در این قسمت از کار او، وجه غالب است و البته مشهود. ایشان با طرح چند انتقاد مطروحه نسبت به عدالت ترمیمی به طور مجمل، در تبعیت از نگاه ترمیم گرای خود، پاسخ های حامیان عدالت ترمیمی را در رد انتقادهای ترجمه کرده است. از این جهت، تنها اثر موجود در فضای پژوهشی کشور که

به ایرادهایی چند به عدالت ترمیمی اشاره کرده است، هم از حیث حجم کار و هم از باب رعایت قواعدی که لازمه یک پژوهش جامع و علمی در امر ارزیابی یک تئوری جرم شناختی است، کافی و مناسب نیست.

این خلأ در نوشتگان حقوقی داخلی کشور، انگیزه ایجاد کرد که به ارزیابی فراز و نشیب‌ها و چالش‌های نظری عدالت ترمیمی از یک سو و تمرکز ویژه بر موانع، آسیب‌ها، التهاب‌ها و چالش‌ها اجرای فرآیندها و برنامه‌های ترمیمی به طور کلی و چالش‌های اجرایی ناشی از تناقض جهت‌گیری ترمیمی در واکنش جزایی، با استراتژی سیاست جنایی پیرو مدل کیفر استحقاقی در کشورهای توتالیتیر همچون ایالات متحده آمریکا، رژیم اشغالگر قدس و دیگر کشورهای مشابه پرداخته شود. پایان نامه، با این توجیه، در نوع خود مسبوق به پیشینه نیست.

ب) پژوهش‌های خارجی

اولین پژوهش در عرصه ارزیابی نقادانه عدالت ترمیمی متعلق به ون نس در سال ۱۹۹۳ است. وی در مقاله خود چالش‌هایی را به خوبی به عدالت ترمیمی نسبت داد و به اثبات رساند. (Van Ness, 1993, p. 271) دیوید گارلند در کتاب خود در سال ۲۰۰۱، «فرهنگ کنترل؛ بزهکاری و نظم عمومی در جامعه معاصر» دقیقاً به موضوع سیاست‌های متناقض پلیسی و تأثیر آن بر ناکارآمدی سیاست‌های حبس زدایی پرداخته است. (Garland, 2001, p. 76) دیگر پژوهش در باب مشکلات و موانع رودرو عدالت ترمیمی، کتابی است که کرافورد با عنوان «مسائل مهم در دورنمای بزه دیدگی و محدودیت‌های عدالت ترمیمی» در سال ۲۰۰۰ قلم زده است. (Crawford, 2002, p. 38) آندره اشورث، سردمدار منتقدان عدالت ترمیمی و یکی از پنج حقوقدان کیفری برجسته جهان در مکتب کلاسیک، در سال ۲۰۰۲ مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت‌ها، حقوق و عدالت ترمیمی» به طبع رساند و قویاً آیین دادرسی کیفری نشست‌های ترمیمی را به چالش کشید. (Ashworth, 2002, p. 591) از دیگر آثار می‌توان به مقاله کتلین دالی با عنوان «آیا مجازات در عدالت ترمیمی جایگاهی دارد؟» اشاره کرد. (Dally, 1999, p. 25) فلجی در سال ۲۰۰۵ مقاله‌ای با عنوان «بررسی چالش‌های اجرای میانجی‌گری در اروپای مرکزی و غربی» ارائه داد و به طور ویژه به بررسی یکی از جلوه‌های فرآیندهای ترمیمی، میانجی‌گری، پرداخته است. (Flilegi, 2005, p. 43) دیگر مقاله در این قلمرو، «چالش‌های عدالت ترمیمی اجتماعی» اثر مالونی است. (Maloney, 1998, p. 197) جان مانسی در سال ۲۰۰۴، مقاله‌ای با نام «تغییر خط مشی‌های سیاسی و مسأله‌ی "چه چیز کارایی دارد؟"» برخی بازتاب‌های رویکرد افتراقی به عدالت کیفری تطبیقی صغار را کاوید و دلایلی را در توجیه شکست سیاست‌های ترمیمی برشمرد. (Muncie, 2004, p. 81)

از چندین سال گذشته، با انتخاب تئوری عدالت ترمیمی به عنوان حوزه فعالیت های پژوهشی، منابع غنی و متنوعی به زبان انگلیسی فراهم آورده شد که با توجه به آشنایی با ادبیات حاکم بر پژوهش های خارجی و استمرار ارتباط اینترنتی با قطب های علمی جرم شناسی، اعم از دانشگاه ها و مؤسسات معتبر متبحر در تحقیقات جرم شناختی (به ویژه مؤسسه جرم شناسی دانشگاه سیدنی استرالیا و ولینگتون نیوزیلند)، از آن منابع علمی خارجی نیز در انجام پایان نامه استفاده شده است.

بخش اول

مفاهیم اساسی و دیرینه

عدالت ترمیمی

فصل اول - مفاهیم اساسی

بررسی مفهوم عدالت ترمیمی، تعریف، ارزش ها و اهداف آن موضوع بحث این فصل است. اصول تفکر ترمیمی نسبت به حوزه عدالت کیفری با عنایت به مبانی نظری و طراحی ساختاری آن مورد امعان نظر می باشد.

مبحث اول - تعریف

عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به بزه و عدالت کیفری را عرضه می کند. عدالت ترمیمی، روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن - واکنش جزایی - است. (زهر، ۱۳۸۳، ص ۱۹) عدالت ترمیمی، نوعی از عدالت راجع به امور کیفری مبتنی بر «جبران»^۱ است؛ بدین معنا که در اجرای آن باید تلاش شود آثار وخامت بار بزه و ضرر و زیان های ناشی از آن به طور کامل یا به گونه ای نمادین (سمبلیک)، ترمیم شود. از این جهت، این فرصت را به بزهکار می دهد که در مرحله نخست نسبت به جبران آسیب های بزه دیده اقدام کند، صرف نظر از این که بزه چرا و چگونه به وقوع پیوسته است. در این راستا، صرف نظر از پرداخت خسارت، «جبران» ممکن است شامل مشارکت داوطلبانه بزهکار در مشاوره، درمان یا آموزش نیز باشد.

از دیگر سو، اجتماع - گروه های مرتبط موجود در جامعه - نیز در نتیجه ارتکاب جرم احساس تعرض و تجاوز می کنند و در نتیجه نیازمند جبران اند. از آن آنجا که نمی توان جنبه عمومی بزه را نادیده گرفت، فرآیند عدالت کیفری راجع به بسیاری از قضایا و موضوعات مجرمانه نمی تواند کاملاً خصوصی - ناظر به بزهکار و بزه دیده - در نظر گرفته شود. برای یک اجتماع، «جبران» اغلب مستلزم انجام برخی کارهای انواع رفتارهای نمادین است که شامل عناصری از قبیل تقبیح عمل مجرمانه، استیفای حقوق، ایجاد اطمینان و اعتماد مجدد در جامعه و پرداخت خسارت به نهادهای مجری منفعت رسانی عمومی می شود.

در مجموع، عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم، سهم خاصی دارند گرد هم می آیند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج بزه و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیمی گرفته، راه حلی بیابند. (Wright, 1991, p. 74)

¹ Reparation

چهار انجمن علمی بزرگ (انجمن بین المللی حقوق کیفری، جامعه بین المللی جرم شناسی، جامعه بین المللی دفاع اجتماعی و سیاست جنایی انسان گرا و بنیاد بین المللی کیفری و زندان ها) که مشاور سازمان ملل متحد در مسائل سیاست جنایی به شمار می روند، طی همایشی که در آستانه دهمین کنگره بین المللی پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان (سازمان ملل متحد در آوریل ۲۰۰۰ در وین) در سپتامبر ۱۹۹۹ در ایتالیا تشکیل شد، در مقام تعریف عدالت ترمیمی از طریق فهم خصائص آن، ویژگی های بنیادین برنامه های ترمیمی را بدین ترتیب برشمردند:

الف) بزه، تعدی به افراد و روابط میان آنهاست. ب) تعدی و تجاوز، موجد تعهداتی است. پ) عدالت، بزه دیدگان، بزهکاران و اعضای جامعه محلی^۱ را درگیر تلاش برای اصلاح امور می کند. ت) برآیند سه اصل فوق این است که جرم به عنوان ایراد صدمه به بزه دیده و آرامش اجتماع تعریف می شود. ث) بنابراین، تأکید بر درست کردن آنچه در نتیجه ارتکاب جرم خراب شده است، در صدر امر قرار می گیرد. ج) تیل به این هدف در گرو نگاه به بزه دیده و بزهکار به مثابه دو کنشگر فعال در ارائه پاسخ و حل مشکلات ناشی از رفتار مجرمانه است. چ) جبران ضرر و زیان بزه دیده از سوی بزهکار بیش از پیش ضرورت و فوریت دارد. ح) تقویت و تواناسازی بزه دیدگان از طریق درگیر نمودن مستقیم آنان در فرآیند کیفری انجام می یابد. خ) به بزه دیده باید جهت بازیافتن احساس کنترل بر مسائل زندگی خود که از طریق وقوع جرم دچار اختلال شده است، مساعدت شود. د) بزهکاران باید در مقابل اعمال ارتكابی خود در چرخه پاسخگویی قرار گیرند. ن) بزهکاران باید از طریق تبیین آثار واقعی رفتار مجرمانه خود بر بزه دیده، خانواده اش، جامعه محلی و اجتماع تحت تأثیر قرار گیرند. و) بزهکاران باید به پذیرش مسئولیت اعمال خود و اتخاذ مشی زندگی قابل قبول در اجتماع تشویق شوند. ی) کلیه طرفین مرتبط با و متأثر از پدیده مجرمانه متعهد به ارائه واکنش ه بزه می باشند. (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۹)

مبحث دوم - اصول

اصول عدالت ترمیمی را می توان در سه عنوان مطرح و تقسیم نمود:

- ۱- جرم (پیش از هر چیز) تعدی به به روابط میان مردم است، نه صرفاً اقدامی علیه دولت.
- ۲- همه آنانی که از وقوع بزه متأثر شده اند برای مقابله و برخورد جمعی با پیامدهای جرم نقش ها، مسئولیت ها و نیازهایی دارند.

¹ Community

۳- جبران ضرر و زیان، حل و فصل مشکلات ناشی از جرم به منظور حصول به توافق و آشتی و پیشگیری از زیان های افزون تر در صدر تأکید است.

مطابق اصل نخست، در عدالت کیفری کلاسیک با تأکید بر نقض قانون و تمرکز بر ابراز داشتن واکنش خشونت آمیز از طریق اجرای مجازات، در واقع نقض روابط میان - فردی و تعدی به حقوق بزه دیدگان مورد اغماض واقع می گردد. در این نظام، بزهکار به علت ارتکاب جرم محاکمه، محکوم و مجازات می گردد، اما ممکن است هرگز از نتایج وخیم عمل ارتكابی خود نسبت به دیگران مطلع نشود. برای مثال، سارق کیف پول ممکن است دستگیر و کیفر شود، اما احتمالاً هرگز نتایج بعدی عمل خود را ملاحظه نخواهد کرد؛ در حالی که بزه دیده مجبور است علاوه بر از دست دادن کیف پول، به دلیل مفقود شدن کارت های شناسایی و اعتباری خود و غیره، مدت زیادی را صرف اعاده وضع به سابق کند. در عدالت کیفری سنتی، به این بخش از نقض روابط انسانی و مسائل ناشی از بزه توجه کافی به عمل نمی آید و نیازهای بزه دیده اغماض یا حتی انکار می شود. (Classen, 1996, p. 249)

دومین اصل کلان عدالت ترمیمی ناظر به ضرورت مشارکت بزه دیدگان اعم از اولیه (مستقیم) و ثانویه (غیر مستقیم)، بزهکاران، جوامع محلی و نیز خانواده، دوستان و حامیان بزه دیدگان و بزهکاران در اجرای عدالت است. در حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری کلاسیک با استناد به سمت مدعی یا مدعی علیه از ورود بسیاری از بزه دیدگان غیر مستقیم به گردونه فرآیند دادرسی جلوگیری می شود. (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۱)

برابر سومین اصل اساسی عدالت ترمیمی، بزهکار باید با نتایج کنش مجرمانه خود روبرو شود و از طریق تجربه مستقیم شرایط ناگوار آنها با بزه دیدگان همدردی نموده، فعالانه در جستجوی راه های جبران آسیب های وارده باشد. در حالی که پس از ارتکاب جرم، امکان اعمال مجازات و حتی انتقام گیری از بزهکار وجود دارد، عدالت ترمیمی روشی را هدیه می کند که برآیند کاربست راهبردها آن، حصول توافق و حل و فصلی سازنده است که در نتیجه آن، بزهکار نه مغضوب تلقی می شود و نه مظلوم.